



A Jurisprudential-Political Approach to Animal Sterilization: Foundations, Challenges, and Governmental Solutions*

Abolfazl Nourian¹

Fatemeh Ansari²

1. Ph.D. Candidate in Jurisprudence and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (**Corresponding Author**)

Alaviesayyedali@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, University of Qom, Qom, Iran.

fa.ansari@qom.ac.ir

Abstract

Animal sterilization is one of the common methods of urban population management and is increasingly implemented in modern programs by public and private institutions. Despite its apparent justifications for population control and disease prevention, it raises significant jurisprudential and political challenges and is subject to scientific controversy. This study adopts an analytical-critical approach to examine the various dimensions of this phenomenon from the perspective of political jurisprudence and Islamic governance, with the aim of elucidating its foundations, challenges, and effective governmental solutions. The findings indicate that sterilization, in addition to being inconsistent with certain explicit Islamic religious principles, is also presented in the study as conflicting with the Universal Declaration of

۲۸۴
فقه و
سیاست
سال ۷، شماره ۱، ۱۴۰۵

* **Cite this Article:** Nourian, A, & Ansari, F. (2026). A Jurisprudential-Political Approach to Animal Sterilization: Foundations, Challenges, and Governmental Solutions. *Jurisprudence and Politics*, 7(1), pp. 284-312.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.74639.1120>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2025/10/02 • **Revised:** 2025/12/06 • **Accepted:** 2026/02/09 • **Published online:** 2026/03/29

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



Animal Rights (1978). The arguments advanced by proponents regarding the essential role of sterilization in population control and disease prevention are critically examined in light of recent scientific findings in physiology and biology and are argued to lack sufficiently strong evidentiary support. According to the studies considered, sterilized animals may experience, in addition to physical complications resulting from surgery and hormonal changes, significant psychological and behavioral disturbances that can make normal life more difficult for them.

The primary objective of this article is to critically examine the performance of governmental institutions in implementing sterilization policies. The study argues that this approach is not only scientifically questionable but also inconsistent with the fundamental principles of Islamic governance, which are based on mercy, justice, and preservation of the dignity of created beings. Ultimately, the article emphasizes the need for serious reconsideration of existing policies and the development of alternative governmental approaches based on a comprehensive understanding of animal population management and animal health. It also highlights the responsibility of the government to properly manage public affairs and safeguard the rights and welfare of living creatures.

Keywords

Universal Declaration of Animal Rights (1978); UNESCO; Sterilization; Trap-Neuter-Return (TNR) Program; Dystocia; Toxemia.



المقاربة الفقهية – السياسية بشأن تعقيم الحيوانات: الأسس، والتحديات، والحلول الحكومية*

أبو الفضل نوريان^١ فاطمة أنصاري^٢

١. طالب الدكتوراه في تخصص الفقه والقانون، جامعة مازندران، بابلسر، إيران (الكاتب المسؤول).

Alaviesayyedali@gmail.com

٢. أستاذ مساعد في تخصص الفقه والقانون، جامعة قم، قم، إيران.

fa.ansari@qom.ac.ir

الملخص

يُعدّ تعقيم الحيوانات إحدى الطرق الشائعة لإدارة أعداد الحيوانات في المدن، وقد اتّسع تطبيقه بصورته الحديثة في المراكز الحكومية والخاصة. وعلى الرغم من التبريرات الظاهرية المتمثلة في السيطرة على أعداد الحيوانات والوقاية من الأمراض، فإنّ هذه الممارسة تواجه تحديات فقهية - سياسية عميقة وتناقضات علمية.

يعتمد هذا البحث مقارنةً تحليليةً نقديةً لاستقصاء أبعاد هذه الظاهرة من منظور نظرية الفقه السياسي والحوكمة الإسلامية، بهدف تبين أسسها وتحدياتها والحلول الحكومية الفعّالة لمعالجتها. وتُظهر النتائج أنّ تعقيم الحيوانات، فضلاً عن تعارضه مع المبادئ الدينية الصريحة في الإسلام، يتعارض أيضاً مع الإعلان العالمي لحقوق الحيوان (١٩٧٨). كما أنّ استدلال المدافعين عن التعقيم بدوره

* الاستناد إلى هذه المقالة: نوريان، أبو الفضل؛ أنصاري، فاطمة. (٢٠٢٦). المقاربة الفقهية - السياسية بشأن تعقيم الحيوانات: الأسس، والتحديات، والحلول الحكومية. الفقه والسياسة، ٧(١)، صص ٢٨٤-٣١٢.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.74639.1120>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/١٠/٠٢ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/١٢/٠٦ • تاريخ القبول: ٢٠٢٦/٠٢/٠٩ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٦/٠٣/٢٩

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

٢٨٦

فقه
سیاسی

سال ٧، شماره ١، ١٤٠٥

الحيويّ في السيطرة على أعداد الحيوانات والوقاية من الأمراض، بالاستناد إلى أحدث المنجزات العلميّة في مجاليّ علم وظائف الأعضاء وعلم الأحياء، يفتقر إلى سند إثباتيّ متين، ويخضع للنقد العلميّ. تشير البحوث المعتبرة إلى أنّ الحيوانات التي خضعت للتعميم، فضلاً عن المشكلات الجسديّة الناجمة عن الجراحة والتغيّرات الهرمونيّة، تعاني أيضاً من اضطرابات نفسيّة وسلوكيّة عميقة تجعل ممارسة حياتها الطبيعيّة أمراً صعباً عليها.

يتمثّل الهدف الرئيس لهذه المقالة في إجراء دراسة نقدية لأداء المؤسسات الحكوميّة في تنفيذ سياسة التعميم. ويبيّن البحث أنّ هذا التوجّه لا يمكن الدفاع عنه من المنظور العلميّ فحسب، بل إنّّه لا ينسجم أيضاً مع المبادئ الأساسيّة للحكمة الإسلاميّة القائمة على الرحمة والعدالة وصون كرامة المخلوقات. وفي الختام، تؤكد المقالة على ضرورة إعادة النظر بصورة جادّة في السياسات المتخذة، وتقديم حلول حكوميّة بديلة، من خلال مقارنة شاملة لقضية أعداد الحيوانات وصحّتها، فضلاً عن التذكير بمسؤوليّة الدولة في تدبير شؤونها وصيانة حقوق الكائنات.

الكلمات المفتاحية

الإعلان العالميّ لحقوق الحيوان الصادر عن اليونسكو عام ١٩٧٨م، التعميم، بر التحكّم في مواليد الحيوانات (TNR)، عسر الولادة، التسمّم الدمويّ.



رویکرد فقهی-سیاسی در باب عقیم‌سازی حیوانات:

مبانی، چالش‌ها و راهکارهای حکومتی*

ابوالفضل نوریان^۱ فاطمه انصاری^۲

۱. دانشجوی دکتری رشته فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

Alaviesayyedali@gmail.com

۲. استادیار. رشته فقه و حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

fa.ansari@qom.ac.ir

چکیده

عقیم‌سازی حیوانات، یکی از روش‌های رایج مدیریت جمعیت شهری، با اجرای مدرن در مراکز دولتی و خصوصی، علیرغم توجیهات ظاهری برای کنترل جمعیت و پیشگیری از بیماری، با چالش‌های عمیق فقهی-سیاسی و تناقضات علمی مواجه است. این پژوهش، با رویکردی تحلیلی-انتقادی، ابعاد این پدیده را از منظر نظریه فقه سیاسی و حکومت‌داری اسلامی واکاوی می‌کند تا مبانی، چالش‌ها و راهکارهای حکومتی مؤثر را تبیین نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد عقیم‌سازی، علاوه بر تعارض با مبانی صریح دینی اسلام، با اعلامیه جهانی حقوق حیوانات (۱۹۷۸) نیز در تضاد قرار دارد. استدلال‌های مدافعان مبنی بر نقش حیاتی عقیم‌سازی در کنترل جمعیت و پیشگیری از بیماری، با تکیه بر آخرین دستاوردهای علمی فیزیولوژیست‌ها و بیولوژیست‌ها، فاقد پشتوانه اثباتی محکم بوده و در بوته نقد علمی قرار می‌گیرد. تحقیقات معتبر حاکی از آن است که حیوانات عقیم‌شده، افزون بر مشکلات جسمی ناشی از جراحی و تغییرات هورمونی، دچار

۲۸۸
فقه سبیل

سال ۷، شماره ۱، ۱۴۰۵

* استناد به این مقاله: نوریان، ابوالفضل؛ انصاری، فاطمه. (۱۴۰۵). رویکرد فقهی-سیاسی در باب عقیم‌سازی حیوانات:

مبانی، چالش‌ها و راهکارهای حکومتی. فقه و سیاست، ۷(۱)، صص ۲۸۴-۳۱۲.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.74639.1120>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

اختلالات روحی و رفتاری عمیق نیز می‌شوند که زندگی طبیعی را برای آنها دشوار می‌سازد. هدف اصلی این مقاله، بررسی انتقادی عملکرد نهادهای حاکمیتی در اجرای سیاست عقیم‌سازی است. پژوهش روشن می‌سازد که این رویکرد، نه تنها از منظر علمی قابل دفاع نیست، بلکه با اصول بنیادین حکومتداری اسلامی، مبتنی بر رحمت، عدالت و حفظ کرامت مخلوقات، همخوانی ندارد. در نهایت، بر ضرورت بازنگری جدی در سیاست‌های اتخاذی و ارائه راهکارهای حکومتی جایگزین، با رویکردی جامع‌نگر به مسئله جمعیت و سلامت حیوانات، تأکید شده و مسئولیت حاکمیت در تدبیر امور و صیانت از حقوق موجودات یادآور می‌شود.

کلیدواژه‌ها

اعلامیه جهانی حقوق حیوانات ۱۹۷۸ یونسکو، عقیم‌سازی، برنامه کنترل مولید حیوانات (TNR)، دیستوکیا، توکسمی.

مقدمه

نظام آفرینش براساس حکمت و اراده خداوند قادر و توانا بنا نهاده شده است. هرگاه انسان برخلاف دستورها و قوانین ذاتی و الهی این نظام جهان شمول عمل کرده یا با مداخله در نظم طبیعی آن تغییری ایجاد کرده است، پیامدهای زیانباری در زیست بوم موجودات و چرخه حیات نمایان شده است. این پیامدها شامل بروز گسترده آلودگی‌های زیست محیطی، تخریب منابع طبیعی و آسیب به چرخه‌های حیاتی بوده‌اند که همگی زمینه‌ساز مشکلات فراوانی در زندگی و بقای گونه‌های مختلف موجودات زنده شده است. از جمله این دخالت‌های انسانی، می‌توان به عمل عقیم‌سازی حیوانات اشاره کرد که از گذشته‌های دور تا به امروز با ابزارها و روش‌های گوناگون بر روی حیوانات انجام شده است. عمل عقیم‌سازی عمدتاً به منظور بهره‌برداری بیشتر از حیوانات انجام گرفته و در بسیاری از موارد، این کار به شیوه‌ای خشن و غیراخلاقی انجام شده است. اگرچه در دوران گذشته این عمل بدون استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته انجام می‌شد و حیوانات درد و رنج شدید و طولانی را متحمل می‌شدند، اما در حال حاضر نیز این اقدام با توجیهاتی همچون حفظ سلامت حیوان یا جلوگیری از خطرات احتمالی برای انسان، تحت شرایط به ظاهر بهداشتی و همراه با بیهوشی ادامه دارد. با وجود این اصلاح در روش انجام، ماهیت این کار اساساً تغییری نکرده و از نظر فقهی همچنان زیر سؤال است.

از منظر آموزه‌های اسلامی، اعمال ظلم بر حیوانات به هیچ وجه پذیرفته نیست و عقیم‌سازی آنها به طور جدی مورد نکوهش قرار گرفته است. مطابق تعلیمات اسلامی، کسی که چنین اقدام ظالمانه‌ای در حق موجودات زنده انجام دهد، نزد خداوند متعال مسئول و مؤاخذه می‌شود. در چارچوب نظریه فقه سیاسی و حکومتداری اسلامی، مسئولیت حاکمیت در قبال اجرای عدالت و رعایت حقوق تمامی مخلوقات، از جمله حیوانات، برجسته می‌شود. این رویکرد، نگاهی جامع به مسئله عقیم‌سازی را ایجاب می‌کند که فراتر از تنها یک عمل پزشکی یا مدیریتی، به ابعاد شرعی، اخلاقی و حکومتی آن نیز توجه دارد. در عرصه بین‌المللی نیز، اگرچه قوانین مختلفی برای

حمایت از حقوق حیوانات تدوین شده است، اما متأسفانه عمل عقیم‌سازی (یا اخته کردن) همچنان به عنوان یک روش متداول انجام می‌شود. دولت‌ها عموماً بدون توجه کافی به پیامدهای این اقدام بر زیست‌بوم طبیعی حیوانات، هیچ اقدام جدی یا بازدارنده‌ای برای متوقف کردن این عمل ناپسند انجام نمی‌دهند. در برخی موارد حتی مشاهده می‌شود که این عمل به صورت علنی و گاهی به شکل سیستماتیک اجرا می‌شود. خلأ نظارت مؤثر از سوی دولت‌ها باعث بروز سوءاستفاده‌ها، اعمال خشونت غیرضروری و گسترش ظلم‌های نامعقول نسبت به حیوانات شده است. چنین وضعیت نگران‌کننده‌ای از جمله دغدغه‌های فعالان محیط زیست و افراد معتقد به اصول اخلاقی و مذهبی شده است. از منظر فقه سیاسی، این خلأ نظارتی و عدم اقدام بازدارنده توسط حاکمیت، نقض آشکار مسئولیت‌های شرعی و حکومتی در جهت صیانت از حقوق حیوانات و جلوگیری از ظلم به شمار می‌رود. عقیده حامیان عمل عقیم‌سازی بر این استوار است که این اقدام برای حفظ سلامت، افزایش طول عمر و کاهش بیماری‌ها در حیوانات ضروری است. با این حال، پژوهش‌هایی که توسط دانشمندان و متخصصان زیست‌شناسی انجام شده، خلاف این ادعا را نشان داده‌اند. نتایج تحقیقات علمی حاکی از آن است که عمل عقیم‌سازی نه تنها سلامت جسمانی حیوانات را مختل می‌کند، بلکه باعث بروز مشکلات روانی قابل توجهی نیز در آنان می‌شود. بررسی علمی وضعیت جسمانی و روانی حیوانات پس از اعمال عقیم‌سازی نشان می‌دهد که اغلب این عمل با هدف تأمین منافع شخصی انسان‌ها و تسلط بر حیوانات اجرا شده است و هیچ ارتباطی با رفاه واقعی حیات وحش یا حفظ تعادل اکوسیستم ندارد. چنین مداخلاتی بیشتر نمودار نگرش خودخواهانه انسان‌ها نسبت به موجودات زنده دیگر است. این دیدگاه که منفعت انسانی را بر حقوق ذاتی و کرامت حیوانات ترجیح می‌دهد، از منظر فقه سیاسی مورد نقد جدی قرار می‌گیرد، زیرا حکومتداری اسلامی بر پایه عدل، رحمت و حفظ کرامت تمامی مخلوقات استوار است.

رویکرد نویسنده در تحلیل موضوع پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که به صورت تطبیقی به بررسی مفاهیم پرداخته و روش جمع‌آوری داده‌ها نیز با استفاده از منابع

اسنادی انجام گرفته است. افزون بر این، برای تحلیل و تفسیر داده‌های گردآوری شده، از روش تحلیل نظریه مبنا استفاده شده است. در همین راستا، طراحی و پیاده‌سازی یک چارچوب تحلیلی جامع از اهمیت قابل توجهی برخوردار است که در بخش مبانی نظری پژوهش به آن به‌طور جداگانه و دقیق پرداخته شده است. این چارچوب تحلیلی، مبانی فقه سیاسی را در نقد و بررسی سیاست عقیم‌سازی حیوانات مد نظر قرار داده و راهکارهای حکومتی مبتنی بر این نظریه را ارائه می‌دهد.

پیشینه تحقیق

۱- کریمیان صیقلانی (۱۴۰۲)؛ این مقاله با جنبه اخلاقی عقیم‌سازی حیوانات خانگی و حیوانات ولگرد را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش با تأمل بر استدلال‌ها و مستندات ارائه شده توسط طرفداران و مخالفان عقیم‌سازی، به تجزیه و تحلیل این مسئله از دیدگاه مبانی اخلاقی پرداخته است. نویسنده بیان می‌کند که بخش عمده‌ای از استدلال‌های طرفداران عقیم‌سازی حیوانات، عمدتاً مبتنی بر رهیافت‌های پدیدارشناختی بوده و اغلب هستی‌شناسی مستقل حیوانات را نادیده گرفته‌اند. بر همین اساس، غفلت از جایگاه و شخصیت مستقل حیوانات، آن‌گونه که خداوند برای آنان مقرر کرده است، در نظر طرفداران این اقدام مشهود است. کریمیان صیقلانی در ارزیابی خود، دلایل مخالفان عقیم‌سازی حیوانات را از لحاظ مبانی اخلاقی معتبرتر می‌داند. البته لازم به ذکر است که نقد مستقیم و جدی نسبت به مبانی طرفداران این اقدام در مقاله مذکور ارائه نشده و تنها دیدگاه آنان به شکل گزارشی بیان شده است.

۲- عرب اسدی و مکتبی (۱۴۰۳)؛ این مقاله به بررسی تطبیقی موضوع عقیم‌سازی حیوانات در ارتباط با رفاه شهری تمرکز کرده و حقوق ایران، اروپا و آمریکای لاتین را مورد توجه قرار داده است. مطابق با این مقاله، ایده توجیه‌پذیری آسیب‌رسانی و عقیم‌سازی حیوانات براساس دستیابی به رفاه شهری به‌عنوان یک هدف اصلی مطرح شده است. نویسندگان با ارائه شواهدی از چندین کشور مختلف، تلاش کرده‌اند تا عقیم‌سازی را به‌عنوان عملی ضروری و منطقی معرفی کنند. در واقع، این اقدام به شکلی

معمول و قابل پذیرش توصیف شده است. از سوی دیگر، عرب اسدی و مکتبی تعریف رفاه شهری را به گونه‌ای مطرح کرده‌اند که محوریت انسان در نظام هستی فلسفه اصلی آن بوده است؛ بنابراین بر مبنای این تعریف، آنان عقیم‌سازی را به‌عنوان راهکاری در حمایت از حیوانات معرفی کرده‌اند.

۳- قدیم و عباسپور (۱۴۰۳)؛ نویسندگان در این مقاله، به بررسی سیاست‌های تقنینی کشورهای مختلف مرتبط با حمایت از حقوق حیوانات را مورد مطالعه تطبیقی قرار داده‌اند. کشورهای منتخب برای این پژوهش شامل اتحادیه اروپا، برزیل، رژیم اسرائیل، چین، استرالیا، انگلستان و آفریقای جنوبی بوده‌اند. نویسندگان ضمن بررسی سیاست‌های قانونی کشورهای مذکور در زمینه حمایت از حیوانات، به تحلیل نقاط قوت و ضعف این سیاست‌ها پرداخته‌اند. آنان همچنین روند شکل‌گیری قوانین مربوطه را براساس شرایط اجتماعی و دغدغه‌های قانون‌گذاران تفسیر کرده‌اند. با توجه به یافته‌های حاصل‌شده، اعلام شده که تمامی این کشورها تلاش کرده‌اند تا حد ممکن برای حفاظت از انواع جانوران زیستی منحصر به مناطق جغرافیایی خود اقدام کرده و به مرور زمان قوانین تکمیلی بیشتری را تصویب نمایند.

پژوهش حاضر، با الهام‌گیری عمیق از پیشینه مطالعاتی پیشین و با اتخاذ رویکردی تخصصی و چندبعدی، قصد دارد امر عقیم‌سازی حیوانات را از منظر جامع منابع اسلامی و الزامات حقوق بین‌الملل مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار دهد. در این راستا، مقاله با استناد به شواهد علمی مستند و مطالعات تطبیقی مرتبط با سیاست‌های تقنینی در کشورهای گوناگون، این اقدام رایج اما از منظر فقهی و اخلاقی نامشروع را که متأسفانه در جوامع کنونی به‌طور گسترده معمول گشته است، به چالش می‌کشد. هدف اصلی، آشکار ساختن ابعاد مغفول و ناشناخته این پدیده، بویژه از منظر نظریه فقه سیاسی و حکومتداری اسلامی است که مسئولیت حاکمیت در قبال حمایت از حقوق حیوانات و جلوگیری از ظلم را مورد تأکید قرار می‌دهد. این پژوهش تلاش می‌کند تا با تبیین مبانی دینی و علمی، زمینه را برای بازنگری در سیاست‌های حکومتی و تقنینی مرتبط با حیوانات فراهم آورد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. عمل عقیم‌سازی حیوانات در منابع اسلامی

قرآن کریم همه موجودات آفریده‌شده را دارای حقوق و شخصیتی متناسب با وجودشان می‌داند و برای آنان شعوری قایل است. بنا بر تعریف قرآن، حیوانات نیز ذی‌شعور بوده و انسان به‌عنوان جزئی از نظام هستی باید در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر موجودات عمل کند. انسان‌ها اجازه ندارند حقوق دیگر موجودات را نقض کرده یا به آنها تجاوز کنند. یکی از حقوق حیوانات که باید احترام گذاشته شود، حق تولید مثل و ادامه نسل است که نباید به واسطه دخالت‌های انسانی مورد تهدید قرار گیرد. در آیات مختلف قرآن، حیوانات با شعور مخصوص به خود شناخته شده‌اند و همانند انسان‌ها، به تسبیح و تقدیس خداوند مشغول هستند^۱ (نحل، آیه ۴۹؛ سوره نور، آیه ۴۱). عقیم‌سازی حیوانات، برخلاف هدف آفرینش است و در قرآن به‌عنوان مصداق "فساد در زمین" یاد می‌شود^۲ (سوره بقره، آیه ۲۰۵؛ محسنی و رضائزاد، ۱۳۹۷، ص ۱۱۸). این اقدام، که برخی از جوامع بشری انجام می‌دهند، می‌تواند از جمله فسادهای انسانی بر روی زمین تلقی شود. هر موجودی حق دارد تولید نسل خود را متناسب با شرایط و نیازهای طبیعی‌اش انجام دهد و هیچ انسانی اجازه ندارد این حق را از او سلب کند. کمبود یا انقراض گونه‌ای از موجودات می‌تواند نظم چرخه حیات و اکوسیستم را برهم زده و آثار منفی بسیاری را برای حیات زمین به همراه داشته باشد. حق حیات و حفظ نسل،

۱. سوره نحل، آیه ۴۹: وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ. و آنچه در آسمان‌ها و زمین از جنبندگان و فرشتگان وجود دارد، فقط برای خدا سجده می‌کنند و تکبر و سرکشی نمی‌ورزند.

آیه ۴۱ سوره نور: أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ لَكُمْ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ.

آیا ندانسته‌ای که هر که در آسمان‌ها و زمین است و پرندگان بال‌گشوده، خدا را تسبیح می‌گویند؟ به یقین هر یک نماز و تسبیح خود را می‌دانند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهند داناست.

۲. وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفُسَادَ. و هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می‌کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد، و زراعت و نسل را نابود کند؛ و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد.

بویژه درباره حیوانات وحشی، جزو مواردی است که باید با دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد. صرف احتمال ایجاد خطر یا آسیب از سوی این حیوانات مجوزی برای عقیم‌سازی آنها نیست. افزون بر این، در داستان حضرت نوح علیه السلام، خداوند دستور داد تا از هر حیوان، چه اهلی و چه وحشی، یک جفت به کشتی برده شود تا نسل آنها نابود نشود و جایگاهشان در نظام هستی حفظ شود^۱ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۲۲۶؛ شبر، ۱۳۸۵ق، ص ۲۳۱؛ اصغری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۳).

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز توجه به حفظ نسل و پرهیز از آسیب رساندن به حیوانات جایگاه ویژه‌ای داشته است. در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ایشان نقل کردند که مردی از اهل نجران در یکی از جنگ‌ها همراه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حضور داشت. پیامبر نسبت به شیوه اسب آن مرد علاقه خاصی پیدا کرده بودند. پس از مدتی پیامبر آن اسب را ندیدند و وضعیتش را جویا شدند. صاحب اسب پاسخ داد که اسب پرشوت بوده و او آن را عقیم کرده است. حضرت از این کار بسیار ناراحت شده و او را مورد سرزنش قرار دادند و فرمودند تو حق چنین کاری را نداشتی. در پیشانی اسب تا روز قیامت خیر و شر نوشته شده است و کسانی که اسبی دارند موظفند اصالت، نسل، ویژگی‌های ظاهری و زیبایی آن را حفظ کنند^۲ (راوندی، ۱۳۷۷، ص ۳۴).

با بررسی دقیق روایت مذکور مشخص می‌شود که مالکیت بر حیوانات به‌تنهایی دلیلی برای سلب حق تولیدمثل و عقیم‌سازی آنها نیست. به عبارت دیگر، حضرت

۱. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَهْرَآءَنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ.

(رویارویی نوح و قومش هم چنان ادامه داشت) تا هنگامی که فرمان ما فرا رسید و تنور فوران کرد، گفتیم: از هر (نوع حیوانی) یک زوج دوتایی (یک نر و یک ماده) و نیز خاندان و آنان را که ایمان آورده‌اند، در کشتی سوار کن مگر کسی که پیش‌تر فرمان غرق شدن را بر ضد او لازم کرده ایم. و جز اندکی همراه او ایمان نیاوردند.

۲. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام إِنَّ رَجُلًا مِنْ تَجْرَانَ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي غَزَاةٍ وَمَعَهُ فَرَسٌ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَسْتَأْنِسُ إِلَى صَهِيلِهِ فَقَفَّذَهُ فَبَعَثَ إِلَيْهِ فَقَالَ مَا فَعَلَ فَرَسُكَ فَقَالَ اشْتَدَّ عَلَيَّ شَعْبُهُ فَخَصَيْتُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَثَلَتْ بِهِ مَثَلَتْ بِهِ الْحَيْلُ مَعْقُودٌ فِي نَوَاصِيهَا الْحَبِيرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَهْلُهَا مُعَاوَنُونَ عَلَيْهَا أَغْرَافُهَا وَقَارُهَا وَنَوَاصِيهَا جَمَالُهَا وَأَذْنَابُهَا مَذَابُهَا.

به صورت مطلق و بدون هیچ قید و شرطی این عمل صاحب اسب را رد کرده و او را مورد سرزنش قرار داده‌اند. در حقیقت، حضرت حفظ زیبایی و حالت طبیعی حیوان را به عنوان یک دستور ارائه کرده و آن را مسئولیتی برعهده مالک حیوان قرار داده‌اند. در همین راستا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر کرده‌اند که اگر کسی توانایی فراهم کردن شرایط مناسب برای زندگی و معیشت حیوان را ندارد، موظف است یکی از دو کار را انجام دهد: یا حیوان را بفروشد، یا آن را آزاد کند تا از آزار حیوان جلوگیری شود. نقل شده که روزی حضرت از مکانی عبور کردند که در آن شتری در کنار خانه‌ای دست‌بسته و بی آب و علف رها شده بود. حضرت پرسیدند: صاحب این حیوان کجاست؟ آیا از عذاب الهی به خاطر رفتاری که با این حیوان کرده، نمی‌ترسد؟ وقتی صاحب شتر پیش حضرت آمد، ایشان فرمودند: یا برای او آب و علف فراهم کن یا آزادش کن تا خودش برای تأمین نیازهایش چیزی پیدا کند (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۶۷).

در این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید کرده‌اند که شرط نگهداری حیوان حفظ حقوق طبیعی او و ایجاد شرایط مناسب برای زندگی است. کسانی که نمی‌توانند این شرایط را فراهم کنند، حق ندارند حیوان را تحت فشار قرار دهند یا آزادی او را محدود کنند. هر کسی که بدون داشتن شرایط لازم، حیوانی را در نزد خود نگاه دارد و موجب آزار او شود، گرفتار عذاب الهی خواهد شد. در بخش دیگری از فرمایش حضرت، ایشان دستور به آزادی یا ایجاد شرایط رفاه برای حیوان صادر کرده‌اند؛ بنابراین، هر کس قادر به تأمین حقوق طبیعی حیوان نگهداری شده نیست (از جمله حق تولیدمثل)، موظف است آن حیوان را آزاد کند و حق ندارد به خاطر راحتی خود اقدام به عقیم‌سازی کند (موسوی خراسانی و بوژمهرانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰).

در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را که بخشی از اعضای بدن حیوان را می‌برند، نفرین کرده و آنان را به نزول عذاب الهی هشدار داده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۹، ص ۵۵۴). بی تردید در فرایند عقیم‌سازی حیوانات، با توجه به اینکه در حیوانات نر و ماده به روش‌های متفاوتی انجام می‌شود، بخشی از بدن حیوان جدا می‌شود. چنین اقدامی نه تنها از دیدگاه اخلاق اسلامی محکوم است، بلکه شخص

مرتکب، مستحق عذاب اخروی خواهد بود. چرا که حیوانات نیز همانند انسان‌ها دارای احترام و کرامت هستند و هیچ کس اجازه آسیب رساندن به آنها را ندارد. در منابع متعدد روایی اهل سنت نیز عقیم‌سازی کاملاً مردود است و هیچ کس مجاز به انجام چنین عملی بر روی حیوانات نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه به صراحت فرموده‌اند که در اسلام عقیم‌سازی جایز نیست. تعبیر این روایت با استفاده از "لانی جنس" نشان‌دهنده آن است که عقیم‌سازی نه تنها برای انسان‌ها (از جمله بردگان و کنیزان) بلکه برای حیوانات نیز ممنوع است. چنین اقدامی از نظر شرعی و اخلاقی مخالفت صریح با اصول اسلامی دارد و کسی که این عمل را انجام دهد، نمی‌تواند خود را جزو مسلمانان بداند (بی‌هقی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۱؛ البانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۲۰۳). آیت‌الله جوادی آملی نیز تأکید دارند که با بررسی دقیق آیات و روایات موجود، مشخص می‌شود که عقیم‌سازی حیوانات نه تنها فاقد هرگونه مبنای درمانی است، بلکه نوعی مصداق حیوان‌آزاری به شمار می‌رود. از این رو، یک فرد مسلمان هیچ حقی در انجام چنین جنایتی نسبت به حیوانات ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۴۲؛ مقیمی حاجی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹).

۲-۱. موضوع شناسی و پدیده شناسی عقیم‌سازی حیوانات

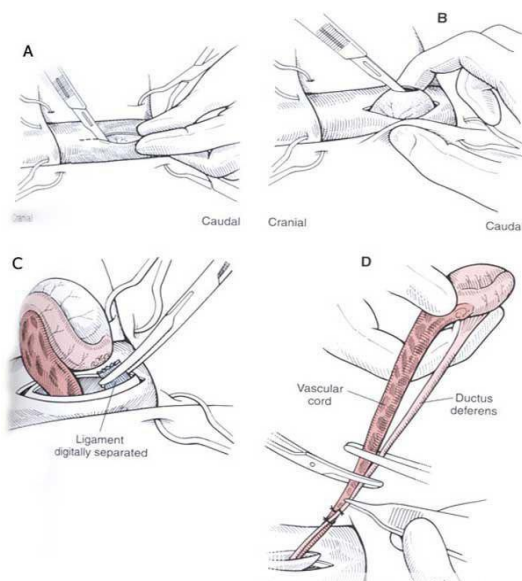
هدف اصلی تمامی موجودات زنده آن است که بتوانند مدت کافی روی زمین زندگی کنند تا بخشی از ژن‌های خود را به نسل بعدی منتقل کنند. طبق مسیر تکاملی، موفقیت یک موجود در حفظ ژن‌هایش تعریف می‌شود (Abrantes, 1997, p. 145). زندگی موجودات به دو فعالیت اساسی تقسیم می‌شود: سوخت‌وساز و تولیدمثل؛ بنابراین، موجود زنده کسی است که توانایی هم‌زمان حفظ سوخت‌وساز و انجام تولیدمثل را داشته باشد. هر عاملی که یکی از این دو جنبه اساسی حیات را تهدید کند، خطری جدی برای موجودیت و بقای آن موجود به شمار می‌رود. در طبیعت، بهترین شرایط برای تولیدمثل زمانی است که موجود زنده سریع‌تر بالغ شده، توان تولید مثل پیدا کند و این روند را تکرار کند، در حالی که فرزندانش در وضعیت مطلوب زنده بمانند و رشد کنند. این امری است که گزینه مشترک همه موجودات به شمار می‌رود و پس از

رسیدن به بلوغ و انتخاب شریک مناسب، در جهت تحقق این هدف تلاش می کنند (Krukunis, 2008, p. 64).

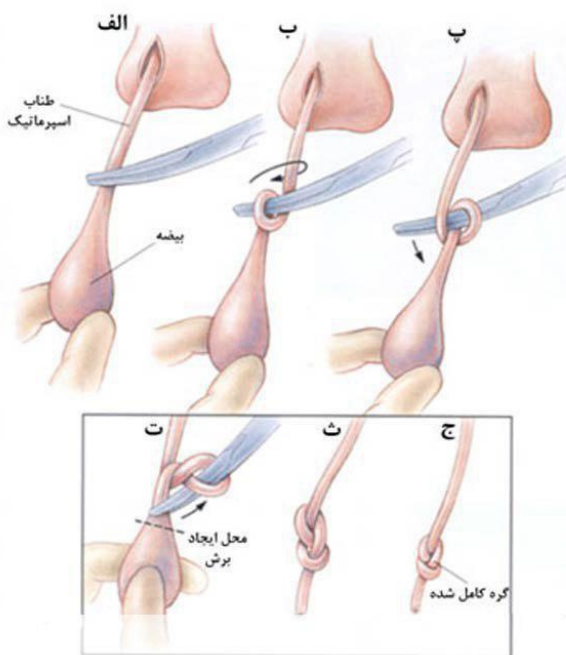
انسان برای محدود کردن قابلیت تولیدمثل حیوانات از روش های مختلف عقیم سازی بهره می گیرد که در نهایت به حذف همیشگی توان باروری حیوان منجر می گردد. این فرآیند باعث غیرفعال شدن هورمون های مرتبط با تولیدمثل در حیوان شده و عملکرد آنها خاموش می شود (عرب اسدی و مکتبی، ۱۴۰۳، ص ۹۴). به عنوان روش های معمول، خارج کردن بیضه ها در حیوانات نر و برداشتن رحم و تخمدان در حیوانات ماده صورت می گیرد. افزون بر این، روش های غیر جراحی نیز وجود دارد که معمولاً برای حیوانات خانگی یا پناهگاه ها استفاده می شود؛ این روش ها شامل خوراندن یا تزریق داروهایی است که باروری حیوان را متوقف می کند. با این حال، به دلیل مشکلات مربوط به مدیریت منظم حیوانات، هزینه های بالا و نتایج کندتر این روش ها کمتر مورد استفاده قرار گرفته و جراحی همچنان گزینه محبوب طرفداران عقیم سازی به شمار می رود (Hedlund, 2018, p. 111).

امروزه برنامه هایی نظیر کنترل جمعیت حیوانات با نام Trap-Neuter-Return (TNR) به دام انداختن-عقیم سازی-بازگرداندن معرفی شده اند که هدف آنها محدودسازی جمعیت حیوانات در چارچوب استانداردهای تعریف شده است. این برنامه به حیوانات عقیم شده امتیازاتی چون آزادی حرکت در محیط، حق دنبال کردن طعمه و شکار فراهم می کند تا از طریق این امتیازات بتوانند به رفاه بیشتری دست یابند (Rolin, 2006, p. 305).

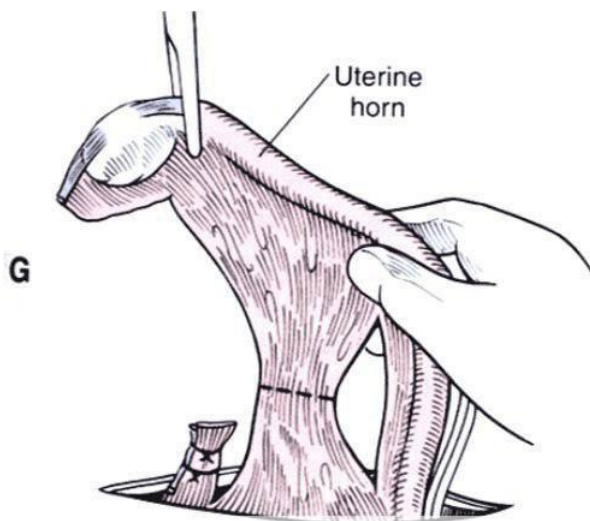
استدلال حامیان عقیم سازی حیوانات به این صورت مطرح می شود که حیوانات پیش از انجام این عمل، از برخی امکانات ضروری محروم بوده اند یا به آن نیازمند هستند؛ در حالی که حیوانات، براساس غرایز و ظرفیت های طبیعی خود، قادرند این شرایط را برای خود فراهم نمایند و نیازی به دخالت انسان در راستای دستیابی به آنها ندارند.



تصویر اول: عقیم‌سازی حیوان نر



تصویر دوم: عقیم‌سازی حیوان نر



تصویر سوم: عقیم‌سازی حیوان ماده

پیشینه حمایت از حقوق حیوانات در منابع بین‌المللی به سال ۱۸۲۲ میلادی بازمی‌گردد، زمانی که اولین مواد قانونی مربوط به حقوق حیوانات در انگلستان تصویب شد. این قوانین در سال ۱۹۱۱ میلادی تکمیل شد و هدف اصلی آنها پیشگیری و درمان بیماری‌های حیوانات بود (خوشیاری حاجی بابا، ۱۳۹۲، ص ۱۱). این رویدادهای حقوقی پس از انقلاب صنعتی و دوران رنسانس به‌طور جدی مطرح شدند. پس از تصویب این قوانین، سایر کشورها از جمله آلمان، اسپانیا، دانمارک، بلژیک و... نیز آنها را پذیرفته و مورد توجه قرار دادند (موسوی خراسانی و بوژمهرانی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۵). در راستای بروزرسانی قوانین موجود، یونسکو در سال ۱۹۹۰ اقدام به تصویب آخرین نسخه حقوق حیوانات کرد. این نسخه با ارائه یک فهم جهانی مشترک، شامل ده بند بود که جوامع حقیقی و حقوقی را موظف به رعایت آنها می‌کرد. یکی از محورهای اصلی این قانون، حفظ بقای نسل حیوانات و ممنوعیت عقیم‌سازی آنها بود (Chapouthier, 1992, pp. 36-38).

مطابق بند چهارم این قانون، حیوانات وحشی حق زندگی و تولید مثل آزادانه در زیستگاه طبیعی خود را دارند. هرگونه محرومیت طولانی‌مدت از این آزادی، همچنین

شکار، صید یا استفاده غیرضروری از حیوانات وحشی، مغایر با این حق تلقی می‌شود. بند هشتم نیز بیان می‌کند که هر اقدامی که منجر به خطر افتادن گونه‌های حیوانی گردد، نسل‌کشی یا جنایت علیه گونه‌ها به شمار می‌رود. افزون بر این، تخریب زیستگاه‌ها و محدودیت‌های طبیعی زندگی حیوانات نیز به عنوان نسل‌کشی قلمداد می‌شود. این دو ماده قانونی به وضوح حفظ نسل و تکثیر حیوانات را از حقوق اساسی آنها تلقی کرده و هرگونه اقدام در راستای نسل‌کشی و نابودی آنها را غیرقانونی و محکوم می‌داند. این درک مشترک جهانی به عنوان چارچوب کلی حقوق حیوانات در عرصه بین‌الملل معرفی شده و کشورها خود را به اجرای آن متعهد دانسته‌اند (گودرزی بروجردی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۳۸۷؛ شکر بیگی، ۱۳۹۲، ص ۵۰). یکی از اندیشمندان مکتب منفعت‌گرایی و سودگرایی جمعی، جرمی بنتام، با تصدیق ظلم و خودخواهی انسان نسبت به حیوانات، آینده‌ای را آرزو می‌کند که در آن انسان به سطحی از بلوغ برسد که لذت و منفعت، حیوانات را نیز در برگیرد و دیگر ستمی بر آنها روا نشود (Bentham, 1780, p. 351).

با این حال، روند رفتاری انسان‌ها در جوامع مختلف نشان می‌دهد که رویکرد آنها به حیوانات عمدتاً با محوریت منافع خودشان بوده است. عقیم‌سازی حیوانات نیز در همین راستا به صورت گسترده و آشکار در مراکز مختلف انجام می‌شود، بدون توجه به شرایط طبیعی زیست حیوانات (شهبازی، ۱۳۹۱، ص ۳۲). همه مشکلاتی که در چرخه طبیعت ایجاد شده، ریشه در دخالت‌های خودخواهانه و غیرمنطقی انسان دارد، چراکه عقیم‌سازی غیرطبیعی تعادل جمعیتی حیوانات را برهم زده است. در حالی که طبیعت، پیش از دخالت انسان، همواره توانسته با نظام هوشمند و تنظیم‌شده خود، جمعیت و گونه‌های جانوری و گیاهی را متعادل نگه دارد (بوتکلین و کلر، ۱۳۸۲، ص ۳۹؛ کریمیان صیقلانی، ۱۴۰۲، ص ۳۰). حامیان عقیم‌سازی، اصلی‌ترین فایده این عمل را کنترل تولیدمثل ناخواسته و جلوگیری از افزایش بی‌رویه جمعیت حیوانات می‌دانند. آنها معتقدند این اقدام می‌تواند مانع بسیاری از بیماری‌های بالقوه شود که ممکن است سلامت حیوانات و حتی انسان‌ها را تهدید کند. برای نمونه، سگ‌ها در معرض ابتلا به باکتری‌هایی هستند که هنگام تولیدمثل به جنین منتقل شده و حتی می‌تواند به

انسان منتقل شود؛ بنابراین، عقیم‌سازی راهی برای پیشگیری از این انتقال بیماری‌ها به شمار می‌رود (Carmichael, 2006, p. 81).

افزون بر آن، مشکلاتی مانند سخت‌زایی، مسمومیت بارداری، پیچ خوردگی و پارگی رحم یا عفونت‌های کلیوی از شایع‌ترین عوارض بارداری در حیوانات است که با عمل عقیم‌سازی قابل پیشگیری است (Forsberg, 2007, p. 49 & Johnston, 2001, p. 87).

یکی دیگر از مشکلات شایع، عفونت رحمی پیومترا است که در اثر نفوذ اسپرم‌های نر ایجاد شده، مکرراً عود کرده و برای جنس ماده خطرناک می‌شود. با عمل عقیم‌سازی و برداشتن اندام‌های تولیدمثل می‌توان این عفونت‌ها را کنترل کرد و همچنین مانع بروز تومورهای بدخیمی شد که سلامت حیوان را تهدید می‌کنند. عقیم‌سازی افزون بر افزایش طول عمر، موجب ارتقاء سطح سلامت جسمی حیوان نیز می‌شود (Klein, 2007, p. 618).

عمل عقیم‌سازی حیوانات، هرچند در نگاه اول ممکن است به عنوان اقدامی مغایر با حقوق اولیه این موجودات تلقی شود، امروزه به یکی از روش‌های رایج مدیریت و سامان‌دهی حیوانات توسط انسان تبدیل شده است. در واقع، انسان با اتکا به قدرت خود، این حق را برای خود قایل شده تا به شکلی فعال در حقوق طبیعی حیوانات دخالت کرده و آنها را براساس نیازها و منافع جامعه خود هدایت و کنترل کند. طرفداران عقیم‌سازی اغلب استدلال‌های متنوعی را مطرح می‌کنند، اما در این میان، پرسش‌های بنیادینی وجود دارد که باید به‌طور کامل و بی‌طرفانه پاسخ داده شوند تا امکان پذیرش اخلاقی و منطقی این اقدام فراهم شود. آیا هدف اصلی عمل عقیم‌سازی حمایت از سلامت و رفاه حیوانات است یا تأمین منافع جامعه انسانی؟ چگونه می‌توان پیامدهای جسمی و روحی ناشی از این اقدام را که در بسیاری از موارد آسیب جدی به حیوان وارد می‌کند، توجیه کرد؟ چه خطراتی برای انسان‌ها و حیوانات در گذشته وجود داشته که انسان‌ها را به انجام چنین عملی سوق داده است؟ آیا این روش واقعاً راه‌حلی برای حفظ تعادل و سامان‌دهی خلقت به شمار می‌رود، یا تنها تلاش انسان برای کنترل بیشتر بر طبیعت اطراف خود است؟ مطالعات علمی گسترده در زمینه عوارض ناشی از عقیم‌سازی نشان داده‌اند که این عمل نه تنها مشکلات جسمی قابل توجهی برای

حیوانات به دنبال دارد، بلکه اثرات روانی و رفتاری متعددی نیز ایجاد می‌کند. دانشمندان زیست‌شناس با بررسی عوارض طولانی مدت عقیم‌سازی حیوانات بارها تأکید کرده‌اند که مواردی چون افزایش خطر ابتلا به سرطان استخوان، تومورهای اطراف مقعد در حیوانات ماده، سرطان بدخیم پروستات در سگ‌های نر، کاهش طول عمر، و افزایش میزان بی‌اختیاری ادرار در حیوانات ماده تنها بخشی از آثار زیان‌بار این اقدام هستند. در برخی موارد حتی تغییرات رفتاری چون افزایش پرخاشگری، ترس بیش‌ازحد، سردرگمی در تعیین هویت جنسی نیز گزارش شده است (Bryan et al, 2000, p. 16).

افزون بر این، مطالعات بیشتری آشکار کرده است که عوارض جانبی کم‌تر قابل مشاهده نیز می‌توانند شامل مشکلات ارتوپدی، ابتلا به انواع سرطان‌ها نظیر سرطان مثانه و سرطان عروق طحالی، توسعه کم‌کاری تیروئید در حیوانات ماده، کاهش توده عضلانی به دلیل حذف هورمون‌های تستوسترون، ایجاد پوکی استخوان و افزایش احتمال بیماری‌های قلبی بدخیمی چون همانژیوسارکومای قلب باشند. همچنین، در حیوانات ماده وضعیت‌هایی مانند ابتلا به التهاب پانکراس، عفونت‌های مکرر مجاری ادراری، التهاب مثانه و مشکلات پوستی مانند درماتیت شایع‌تر شده‌اند. (Kutzler, 2020, p. 17 & Downes, 2015, p. 14 & Vanderstichel et al, 2015, p. 21 & Rajendran, 1980, p. 193 & Arnold, 1997, p. 275 & Angioletti, 2004, p. 153 & Hopkins, 1976, p. 5).

به‌طور کلی، پیامدهای منفی مرتبط با عقیم‌سازی نیازمند بازنگری دقیق‌تر و انگیزه‌ای اخلاقی‌تر نسبت به کاربرد این روش توسط انسان هستند. آیا این شیوه می‌تواند در رویارویی با چالش‌های واقعی طبیعت مؤثر باشد، یا تنها بیانگر تمایل انسان به اعمال کنترل بی‌رویه بر چرخه طبیعی حیات است؟ توجه به نگرانی‌های اخلاقی درباره حقوق حیوانات و بررسی آسیب‌های طولانی مدت ناشی از عقیم‌سازی ضرورتی انکارناپذیر است که نیازمند تعمق بیشتر توسط افراد مسئول و متخصصان است. دولت‌های فعلی با تصویب برنامه‌های کنترل جمعیت و اقدامات مرتبط مانند عقیم‌سازی، تحت تأثیر دیدگاه‌های طرفداران عقیم‌سازی قرار گرفته‌اند.

۱-۳. رویکرد کشورها نسبت به عقیم‌سازی حیوانات

با بررسی قوانین مرتبط در کشورها و توجه به عوارض ناشی از این عمل بر حیوانات عقیم‌شده، در کنار اعلامیه جهانی حقوق حیوانات یونسکو ۱۹۷۸، که معیاری مشترک برای حمایت از حقوق و شخصیت حیوانات به شمار می‌رود، مواضع عملی متفاوتی اتخاذ شده است. این مقاله به‌طور مختصر به بررسی قوانین سه کشور ایتالیا، مکزیک و ایران، به‌عنوان نمایندگان سه قاره اروپا، آمریکا و آسیا، پرداخته است.

ایتالیا: به‌عنوان یکی از پیشروترین کشورها در زمینه حمایت قانونی از حیوانات، مجموعه‌ای گسترده از قوانین کیفری و مالی را وضع کرده است. این قوانین هرگونه بدرفتاری، حیوان‌آزاری و کشتن حیوانات را ممنوع می‌دانند. همچنین ترک یا رهاسازی حیوانات بدون رعایت شرایط رفاهی لازم با مجازات حبس و جریمه نقدی همراه است. در سال ۱۹۹۱ برنامه‌ای برای کنترل جمعیت حیوانات شهری پیش‌بینی شد که براساس آن کشتن حیوانات بدون توصیه پزشک ممنوع اعلام شد. این کشور با اجرای سیستم نشانه‌گذاری، عقیم‌سازی، نگهداری و سپس رهاسازی حیوانات در زیستگاه‌های مشخص، توانست کاهش قابل توجهی در جمعیت حیوانات شهری ایجاد کند. این سیاست ابتدا بر سگ‌های شهری متمرکز بود و به مرور به سایر گونه‌های حیوانات گسترش یافت. برنامه عقیم‌سازی به شکل سیستماتیک به‌عنوان بخشی از حمایت از حقوق حیوانات در این کشور نهاده شده، که نمونه موفق آن کاهش چشمگیر تعداد حیوانات شهری را نشان می‌دهد (Friz, 2003, p. 33).

مکزیک: مکزیک با وجود برخورداری از قانون تعادل اکولوژیکی و حفظ محیط زیست (LGEEPA) و قانون فدرال سلامت حیوانات، فاقد قانون الزام‌آوری درباره عقیم‌سازی حیوانات است. دلایل اقتصادی مربوط به هزینه‌های جراحی عقیم‌سازی و مسائل اجتماعی جامعه مکزیک موجب شده‌اند که این کشور از سال ۲۰۰۸ روش غیرجراحی تزریق گلوکونات به بیضه‌های حیوانات نر را به‌عنوان راهی مقرون‌به‌صرفه برای کنترل جمعیت معرفی کند. این روش که به‌طور غیررسمی در مراکز مختلف اجرا می‌شود، در سایر کشورهای آمریکای لاتین نظیر کلمبیا، پاناما و بولیوی نیز مورد استفاده قرار گرفته

است. اما این شیوه ضمن خطرآفرینی برای حیات وحش، چالش‌های جدیدی در زمینه کنترل جمعیت حیوانات ایجاد کرده است (Griffin, 2012, p. 96 and Kisiel et al, 2016, p. 37).

ایران: ایران، به‌عنوان کشوری با پیشینه‌ای غنی و فرهنگ تاریخی، تنها یک دستورالعمل مشخص برای کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد به تصویب رسانده که به‌عنوان قانون مرتبط با حیوانات شهری شناخته می‌شود. این دستورالعمل با هدف عقیم‌سازی و جمع‌آوری سگ‌های ولگرد تنظیم شده است. هرچند این وظیفه به‌صورت رسمی بر عهده شهرداری‌ها قرار گرفته، اما در عمل مدیریت این فرآیند اغلب به شرکت‌های مدیریت پسماند سپرده شده و متأسفانه این اقدامات تنها به‌صورت محدود و ناقص اجرا می‌شوند. چنین خلأیی در اجرای صحیح و کامل سیاست‌ها زمینه‌ساز ظهور مؤسسات و نهادهای خصوصی در حوزه عقیم‌سازی و جمع‌آوری گونه‌های متنوع جانوری دیگر شده است. این نهادها که طیف گسترده‌ای از حیوانات شامل گربه‌ها، خرگوش‌ها، سنجاب‌ها، موش‌های تزئینی و حتی گونه‌های نادر و وحشی مانند ببرها و پلنگ‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهند، به فعالیت پرداخته‌اند. این مؤسسات در بسیاری از موارد به‌طور علنی اقدام به جراحی عقیم‌سازی حیوانات می‌کنند و نگرانی اصلی این است که چنین فعالیت‌هایی بدون هرگونه نظارت مؤثر از سوی دولت ایران انجام می‌شود. رشد سریع این گونه مؤسسات و تبلیغات گسترده پیرامون آنها نیز خود دلالت بر افزایش تقاضا برای چنین خدمات غیرقانونی و غیراستانداردی دارد (عرب اسدی و مکتبی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۶).

نتیجه‌گیری

در آموزه‌های فقهی، عمل عقیم‌سازی حیوانات بشدت مورد نکوهش قرار گرفته است.

۱. این دستورالعمل توسط دفتر هماهنگی خدمات شهری معاونت امور شهرداری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور تهیه شده و در جلسه‌ای که در تاریخ هفتم بهمن‌ماه ۱۳۸۷ برگزار شد، به تصویب ستاد مرکزی کنترل جمعیت حیوانات ناقل بیماری به انسان رسید. سپس در تاریخ بیستم بهمن‌ماه همان سال برای اجرا به شهرداری‌ها و دهیاری‌های تحت پوشش استان‌ها ابلاغ شد.

مطابق با تعالیم قرآنی و اسلامی، هر فردی که چنین ظلم و تعدی را نسبت به حیوانات روا دارد، در پیشگاه الهی مسئول و پاسخ‌گو خواهد بود. این مسئولیت ناشی از آن است که براساس آیات صریح قرآن کریم، تمامی مخلوقات خداوند، همانند انسان، از شأن و منزلت مستقلی برخوردارند. آنها در چارچوب نظم الهی حاکم بر آفرینش، دارای شعور ذاتی و حقوق ویژه‌ای هستند که باید محترم شمرده شوند. سیره عملی پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیز بارها بر این نکته تأکید ورزیده و اهمیت احترام به حقوق حیوانات و پرهیز از هرگونه ظلم و آزار به آنها را گوشزد کرده‌اند. در سطح جهانی، حقوق بین‌الملل نیز با تأکید روزافزون بر حمایت از حقوق حیوانات، حق طبیعی تولید مثل و تداوم نسل را برای هر موجود زنده‌ای به رسمیت می‌شناسد. در این راستا، "اعلامیه جهانی حقوق حیوانات" که در سال ۱۹۷۸ میلادی توسط سازمان یونسکو منتشر شد، نمونه‌ای برجسته از درک مشترک جهانی در این زمینه به شمار می‌رود. این اعلامیه، بویژه در بندهای چهارم و هشتم خود، به صراحت از حق بنیادین حیوانات برای تولید نسل دفاع کرده و جوامع بشری را به رعایت و پاسداشت این اصل حیاتی فرا می‌خواند. علی‌رغم اهمیت بسزای مباحث حقوقی و دینی، متأسفانه در بسیاری از کشورها، عمل عقیم‌سازی حیوانات بدون نظارت کافی دولت‌ها و گاه به دلیل فقدان قوانین بازدارنده مناسب یا اتکا به ادعاهای اثبات‌نشده درباره فواید این عمل، به‌طور گسترده رواج یافته است. پژوهش‌های علمی گسترده‌ای که توسط متخصصان برجسته زیست‌شناسی بر روی حیوانات عقیم‌شده صورت پذیرفته است، به‌روشنی نشان می‌دهد که این فرآیند عوارض متعدد و جدی جسمی و روانی برای حیوانات به همراه دارد. چنین عواقبی، روند طبیعی زندگی را برای این موجودات پیچیده دشوارتر ساخته و در مواردی حتی حیات آنها را به‌طور جدی مختل می‌سازد. با تأمل دقیق در آموزه‌های غنی اسلامی که همواره از اعمالی نظیر عقیم‌سازی حیوانات نهی کرده‌اند، و همچنین با در نظر گرفتن یافته‌های قطعی مطالعات علمی متعدد، این حقیقت آشکار می‌شود که هیچ‌گونه پایه دینی مستند یا مبنای علمی صحیحی برای تأیید و توجیه این عمل وجود ندارد. عقیم‌سازی حیوانات عملی ناپسند و زیان‌بار است که پیامدهای تلخ و مخربی هم

برای حیات وحش و هم برای حفظ روابط طبیعی و تعادل اکوسیستم‌ها در پی دارد. توجه جدی به این موضوع، از جمله ضرورت‌هایی است که باید در کانون سیاست‌گذاری‌های آتی در حوزه حفاظت از حقوق حیوانات قرار گیرد. این امر بایستی با هدف اتخاذ تصمیمات مؤثر و همسو با تعالیم عالیه دینی و جمع‌بندی‌های علمی جهانی صورت پذیرد.

پیشنهادهات

۱. تدوین چارچوب فقهی-سیاسی جامع برای حمایت از حیوانات: پیشنهاد می‌شود با استناد به مبانی قرآنی، روایات و سیره معصومین (علیهم‌السلام)، یک چارچوب نظری و عملی مدون برای حمایت از حقوق حیوانات از منظر فقه سیاسی تدوین شود. این چارچوب باید به روشنی مسئولیت‌های فردی و بویژه حکومتی را در قبال حیوانات مشخص نماید.

۲. طراحی و اجرای سیاست‌های تشویقی و حمایتی جایگزین: بجای تمرکز صرف بر عقیم‌سازی، سیاست‌های تشویقی و حمایتی برای سرپرستان حیوانات خانگی و مراکز نگهداری تدوین و اجرا شود. این سیاست‌ها می‌تواند شامل تسهیلات در امر واگذاری حیوانات سرپرست، حمایت‌های دامپزشکی، و آموزش‌های لازم باشد.

۳. ایجاد نهادهای نظارتی و قضایی مستقل و تخصصی: ضرورت تأسیس یا تقویت نهادهایی در سطوح حکومتی که به‌طور تخصصی وظیفه نظارت بر اجرای قوانین مربوط به حیوانات، رسیدگی به تخلفات و اعمال مجازات‌های بازدارنده را بر عهده داشته باشند. این نهادها باید از استقلال لازم برای جلوگیری از اعمال نفوذ و اجرای عدالت برخوردار باشند.

۴. برگزاری کرسی‌های ترویجی و مناظرات علمی-دینی: برگزاری پیوسته کرسی‌های ترویجی، نشست‌های علمی و مناظرات با حضور فقها، حقوقدانان، دامپزشکان، کارشناسان علوم رفتاری حیوانات و صاحب‌نظران علوم سیاسی با

- هدف تبیین ابعاد مختلف مسئله عقیم‌سازی و ارائه راهکارهای نوین و شرعی.
۵. ارزیابی پیوسته اثربخشی قوانین و سیاست‌های حمایتی: ایجاد سازوکاری برای ارزیابی دوره‌ای و پیوسته اثربخشی قوانین و سیاست‌های موجود در زمینه حمایت از حیوانات و تنظیم خانواده آنها، به گونه‌ای که بتوان در صورت نیاز، اصلاحات لازم را بسرعت اعمال کرد.
۶. آموزش عمومی و ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری: طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی جامع در سطوح مختلف جامعه (مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها) با هدف ارتقای فرهنگ عمومی نسبت به حقوق حیوانات، مسئولیت سرپرستی و پرهیز از اعمال خشونت‌آمیز و غیرشرعی مانند عقیم‌سازی بی‌رویه.
۷. تقویت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه حقوق حیوانات: با توجه به جنبه بین‌المللی موضوع، تأکید بر لزوم تقویت همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای پیشرو در زمینه حمایت از حقوق حیوانات، جهت تبادل تجربیات و همسوسازی قوانین و سیاست‌ها.

منابع

* قرآن کریم.

- اصغری، فریده؛ مرادخانی، احمد؛ عابدیان، سیدحسن. (۱۴۰۰). بررسی حق حیات حیوانات از منظر روایات اسلامی، علوم حدیث تطبیقی، ۸(۱۵)، صص ۳۷۵-۳۹۵.
- آلبانی، محمدناصر. (۱۴۲۳ق). صحیح سنن ابی داوود. کویت: موسسه غراس.
- بوتکلین، دانیل؛ کلر، ادوارد. (۱۳۸۲). شناخت محیط زیست: زمین سیاره زنده (مترجم: عبدالحسین وهاب زاده). مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بیهقی، احمد بن الحسین. (۱۴۱۴ق). سنن البیهقی الکبری (محقق: محمد عبدالقادر عطا). مکه مکرمه: مکتب دار الباز.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). اسلام و محیط زیست (تنظیم و تحقیق توسط عباس رحیمیان، چاپ ششم). قم: نشر اسراء.
- خوشیاری حاجی بابا، رزاق. (۱۳۹۲). مطالعه حمایت از حیوانات در قوانین ایران و اسناد بین المللی. حقوق پزشکی، ۷(۲۶)، صص ۱۷۲-۱۹۲.
- راوندی، فضل الله. (۱۳۷۷). النوادر (محقق: سیدرضا علی عسگری). قم: موسسه دار الحديث.
- زمانه قدیم، نوید؛ عباسپور جلالی، آرام. (۱۴۰۳). تحلیل سیاست های تقنینی حمایت از حقوق حیوانات در کشورهای مختلف. تحقیقات نوین میان رشته ای حقوق، ۴(۳)، صص ۸۴-۹۷.
- شبر، سیدعبدالله. (۱۳۸۵ق). تفسیر القرآن الکریم (محقق: حامد حفنی داوود، چاپ سوم). بیروت: انتشارات سیدمرتضی رضوی.
- شکر بیگی، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی رفتارهای خشونت آمیز نسبت به حیوانات اهلی در حقوق ایران و فرانسه. پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق قم.
- شهبازی، آرام. (۱۳۹۱). تحلیل حقوق حیوانات از منظر نظریه پردازی و ارتباط آن با رویه های قانونی. پژوهش حقوق عمومی، ۱۴(۳۶)، صص ۲۷-۵۶.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم) قم: جامعه مدرّسین.

عرب اسدی؛ شیما، مکتبی. (۱۴۰۳). جایگاه عقیم سازی در رفاه شهری: بررسی تطبیقی حقوق ایران، اروپا و امریکای لاتین. حقوق تطبیقی، ۸(۱)، صص ۸۵-۱۱۲.

عسقلانی، ابن حجر. (۱۴۲۶ق). فتح الباری بشرح البخاری. بیروت: انتشارات دارالمعرفه.
کریمیان صیقلانی، علی. (۱۴۰۲). کاوش اخلاقی درباره عقیم سازی حیوانات خانگی و ولگرد. مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۳(۲)، صص ۱۱-۳۶.

گودرزی بروجردی و دیگران. (۱۳۸۶). قانون مجازات فرانسه. تهران: نشر سلیل.
متقی هندی، حسام الدین. (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال. بیروت: موسسه الرساله.

محسنی، محمد؛ رضائزاد، علی. (۱۳۹۷). تحلیل فقهی و حقوقی پدیده حیوان آزاری در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران. تحقیقات حقوقی، شماره هشتادوسوم، صص ۱۱۳-۱۳۶.
مقیمی حاجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). مطالعه حقوق حیوانات در فقه اسلامی. فقه اهل بیت (علیهم السلام)، شماره چهل و هشتم، صص ۱۳۸-۱۹۵.

موسوی خراسانی، سیدمحمدحسن؛ بوژمهرانی، ایمان. (۱۳۹۹). پیشینه تاریخی حقوق موضوعه حمایت از حیوانات در اسناد بین المللی با تأکید بر زندگانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان شیعه (علیهم السلام). تاریخ و سیره اهل بیت، ۲(۳)، صفحات ۱۳۳-۱۴۶.

Abrantes, R. , & Rasmussen, R. (1977). *The Evolution of Canine Social Behavior. Dogwise Publishing .

Angioletti, A. , De Francesco, I. , Vergottini, M. , & Battocchio, M. (2004). Urinary incontinence after spaying in bitches: Incidence and estrogen therapy. *Veterinary Research Communications,* 28, 153-155 .

Arnold, S. (1997). Urinary incontinence in castrated bitches. Part 1: Significance, clinical aspects, and etiopathogenesis. *Schweizer Archiv für Tierheilkunde,* 139, 271-276 .

- Bentham, J. (1780). *The Principles of Morals and Legislation. * Edited by J. H. Burns & H. L. A. Hart, featuring an introduction by F. Rosen and an interpretive essay by H. L. A. Hart .
- Bryan, J. N. , Keeler, M. R. , Henry, C. J. , Bryan, M. E. , Hahn, A. W. , & Caldwell, C. W. (2000). A population study of neutering status as a risk factor for canine prostate cancer. *Prime,* Aug 1, 67(11), 1174-1181 .
- Carmichael, L. E. , & Greene, C. E. (2006). *Infectious Diseases of the Dog and Cat* (3rd ed.). Philadelphia (PA), USA: WB Saunders .
- Chapouthier, G. (1992). *Les droits de l'animal. * Que sais-je? Presses Universitaires de France, Paris, pp. 36-38 .
- David, G. , & Rajendran, E. I. (1980). The after-effects of spaying in bitches and cats. *Cheiron,* 9, 193-195 .
- Downes, M. , Devitt, C. , Downes, M. T. , & More, S. J. (2015). Neutering of cats and dogs in Ireland: Pet owners' self-reported perceptions of enabling and disabling factors in the decision to neuter. *PeerJ,* 3, e1196 .
- Forsberg, C. L. , & Persson, G. (2007). A survey of dystocia in the Boxer breed. *Acta Veterinaria Scandinavica,* 21 .
- Friz, D. (2003). The problem of stray animals: Practical and effective management methods. The Foundation Mondo Animale Onlus. *Frontiers in Veterinary Science,* 4 .
- Griffin, B. (2009). Revisiting the basics: The importance of sterilization—That little ounce of prevention carries weight in the battle against animal homelessness. *Animal Sheltering Magazine. * - Johnston, S. D. , Root Kustritz, M. V. , & Olson, P. N. S. (2001). *Canine and Feline Theriogenology. * Philadelphia (PA), USA: WB Saunders .
- Hopkins, S. G. , Schubert, T. A. , & Hart, B. L. (1976). Castration of adult male dogs: Effects on roaming, aggression, urine marking, and mounting. *Journal of the American Veterinary Medical Association,* 168, 1108-1110 .

- Kisiel, L. M. , Jones-Bitton, A. , Sargeant, J. M. , Coe, J. B. , Flockhart, D. T. , Reynoso Palomar, A. , Canales Vargas, E. J. , & Greer, A. L. (2016). Owned dog ecology and demography in Villa de Tezontepec, Hidalgo, Mexico. **Preventive Veterinary Medicine,** 135 .
- Klein, M. K. (2007). Tumors of the female reproductive system. In Winthrow SJ & Vail DM (Eds.), **Winthrow and MacEwen's Small Animal Clinical Oncology** (4th ed.). St Louis (MO), USA: WB Saunders Elsevier .